

سلامت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۶ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



(تحصیلات تکمیلی)

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در (رشته حقوق گرایش حقوق عمومی)

عنوان

بررسی صلاحیت زنان در تصدی مناصب عمومی با تکیه

به فقه امامیه و قانون اساسی ایران

استاد راهنما:

دکتر علی اردستانی

استاد مشاور:

دکتر آزاده السادات طاهری

دکتر حمید مسجدسرای

نگارنده:

بهاره مریدی

دی ۱۳۹۴

تقدیم:

به پاس تعبیر عظیم و انسانی‌شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در این سردترین روزگار ان بهترین پشتیبان است

به پاس قلب‌های بزرگشان که فریادرس است و سرکردانی و ترس در پناہشان به شجاعت می‌کراید

و به پاس محبت‌های بی‌دینشان که هرگز فروکش نمی‌کند

این مجموعه را به

پدر

مادر عزیزم

و

همسر گرامی ام تقدیم می‌کنم

سپاسگذاری:

سنگر شایان نثار ایزدمنان که توفیق رارفتی را بهم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم. از استاد فاضل و اندیشمند جناب آقای دکتر علی اردستانی به عنوان استاد راهنما که همواره بخارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند، کمال تشکر را دارم.

از سرکار خانم دکتر آزاده السادات طاهری بسیار سپاسگذارم چرا که بدون راهنمایی های ایشان تأمین این پایان نامه بسیار مشکل

می نمود.

جناب آقای دکتر حمید مسجد سیرانی به دلیل یاری ها و راهنمایی های بی چشمداشت ایشان که بسیاری از سختی ها را بر ابرام آسان تر

نمودند.

با تشکر از دوست گرامی ام سرکار خانم کبری خداپرست که بنده را در تدوین این کار همیاری نمودند.

چکیده:

امروزه اگر چه شاهد حضور سیاسی و اجتماعی زنان در سطوح مختلف اجرائی و مدیریتی کشور هستیم ولیکن باید اذعان نمود که شرایط جامعه ما به گونه ای است که وضعیت زنان و مردان به صورت متعادل نبوده و همواره زنان از یک عقب ماندگی تاریخی برخوردار بوده اند. احراز مناصب عمومی، بیش از هر مساله دیگر به لحاظ اقتدار و قدرت در یدمردان بوده است. انتصاب و یا تصدی به پست ها و مقامات سیاسی و عمومی در سطح کلان کشوری در قوانین ایران مشروط به شرایطی گردیده که اغلب آن شرایط نیز متأثر از موازین فقهی می باشد. در این پژوهش تلاش شده است تا به این سوال اساسی پاسخ داده شود که " تا چه حد تکیه نظام حقوقی ایران به ویژه قانون اساسی بر فقه امامیه بستر لازم را برای وضع قوانین حمایتی از حقوق زنان در زمینه تصدی مناصب عمومی را فراهم کرده است و تا چه میزان توانسته است جایگاه و منزلت آنان را ارتقا ببخشد و شان و کرامت این گروه را به مثابه یک شهروند محترم بشمارد و به طور کلی، تا چه میزان زمینه ساز احقاق حقوق سیاسی زنان به عنوان اکثریت افراد جامعه بوده است". این پژوهش تلاش نموده است تا ضمن پاسخگویی به این سوال ها بر اساس بررسی نظرات فقهی و قانون اساسی، به اثبات این امر بپردازد که قانون اساسی ایران با عدالت زمانه سازگارتر بوده و در زمینه احقاق حقوق سیاسی زنان به خصوص در تصدی مناصب عمومی از سوی ایشان پیشرفت هایی را داشته است.

کلمات کلیدی: حقوق زنان، مناصب عمومی، فقه امامیه. قانون اساسی ایران.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱-۱- بیان مساله
۸	۱-۱-۱- تعریف مفاهیم پژوهش
۸	۱-۱-۱-۱- تعریف مناصب عمومی
۱۰	۱-۱-۱-۲- مناصب عمومی و رابطه‌ی آن با فقه امامیه و قانون اساسی
۱۳	۱-۱-۲- مرور ادبیات یا پیشینه پژوهش
۱۴	۱-۱-۲-۱- کتاب‌ها:
۱۶	۱-۱-۲-۲- مقالات:
۱۷	۱-۱-۲-۳- پایان نامه:
۲۰	۱-۱-۳- پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش
۲۰	۱-۱-۳-۱- پرسش اصلی پژوهش:
۲۰	۱-۱-۳-۲- پرسش‌های فرعی:
۲۰	۱-۱-۴- فرضیه‌های اصلی و فرعی پژوهش
۲۰	۱-۱-۴-۱- فرضیه اصلی
۲۱	۱-۱-۴-۲- فرضیه‌های فرعی:
۲۱	۱-۱-۵- اهداف پژوهش
۲۲	۱-۱-۶- کاربرد نتایج پژوهش
۲۴	۱-۱-۷- روش پژوهش

۲۴	۱-۱-۸- مشکلات و موانع پژوهش
۲۵	۱-۱-۹- سازماندهی پژوهش
۲۷	فصل دوم: مبانی نظری حقوق اجتماعی - سیاسی زنان
۲۸	۱-۲- مبانی حقوق اجتماعی - سیاسی زنان
۲۸	۱-۱-۲- مفهوم حق
۲۸	۱-۱-۱-۲- حق در معنای لغوی
۲۹	۲-۱-۱-۲- حق در اصطلاح فقهی
۳۱	۳-۱-۱-۲- حق در اصطلاح حقوقی
۳۲	۲-۲- اقسام حق
۳۴	۱-۲-۲- حقوق اجتماعی
۳۴	۱-۱-۲-۲- حق اشتغال زنان
۳۵	۱-۱-۱-۲-۲- حق اشتغال زنان از منظر اسلام
۳۵	۲-۱-۱-۲-۲- حق اشتغال زنان از منظر قانون اساسی
۳۶	۳-۱-۱-۲-۲- حق اشتغال زنان در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان
۳۸	۲-۲-۲- حقوق سیاسی
۴۰	۳-۲- مصادیقی از شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان
۴۱	۱-۳-۲- مشارکت و نقش آفرینی در تعیین قوانین و مقررات کشور
۴۲	۲-۳-۲- حق رأی
۴۳	۳-۳-۲- حق تأسیس احزاب و سایر تشکلهای سیاسی
۴۳	۴-۳-۲- حق شرکت در انتخابات
۴۴	۵-۳-۲- حق انتخاب شدن

۴۴	۲-۳-۶- حق تصدی مدیریت‌های عالی
۴۵	۲-۳-۷- حق و مسئولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان
۴۵	۲-۳-۸- حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی
۴۷	۲-۳-۹- حق و مسئولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی
۴۸	۲-۳-۱۰- مسئولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمانان
۴۸	۲-۳-۱۱- حق و مسئولیت دفاع از دین و کشور
	۲-۳-۱۲- حق و مسئولیت زنان در مشارکت و تلاش برای تأمین و تحکیم صلح عادلانه جهانی
۴۹
۵۰	فصل سوم: موقعیت زنان در احراز تصدی مناصب عمومی از دیدگاه فقه امامیه
۵۱	۳-۱- حضور زنان در اجتماع از دیدگاه اسلام
۵۱	۳-۱-۱- آیات بیانگر جواز حضور زن در اجتماع
۵۵	۳-۱-۱-۱- آیات وجوب پوشش برای زنان در اجتماع
۵۵	۳-۱-۱-۲- آیهی ممنوعیت چشم چرانی و نگاه به نامحرم در اجتماع
۵۵	۳-۱-۱-۳- آیه ممنوعیت اظهار زینت برای نامحرم
۵۶	۳-۱-۲- روایات بیانگر جواز حضور زن در اجتماع
۵۷	۳-۱-۳- دلیل عقلی بر جواز حضور زن در اجتماع
۵۸	۳-۱-۴- آیه بیانگر عدم جواز حضور زن در اجتماع
۵۸	۳-۱-۵- روایات بیانگر عدم جواز حضور زنان در اجتماع
۶۱	۳-۲- قضاوت و اجتهاد زنان از دیدگاه فقه امامیه
۶۱	۳-۲-۱- مفهوم قضا برای زنان از دیدگاه فقه امامیه
۶۲	۳-۲-۲- مفهوم قضا

۶۴	۳-۲-۳- آراء فقهای امامیه پیرامون حکم فقهی قضاوت زن
۶۶	۳-۳- ادله مخالفین و موافقین قضاوت زن
۶۶	۳-۳-۱- بررسی آیات
۶۸	۳-۳-۲- بررسی روایات
۷۱	۳-۳-۳- اجماع
۷۳	۳-۳-۴- سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)
۷۳	۳-۳-۵- قیاس
۷۴	۳-۳-۶- اصل
۷۶	۳-۴- حق اجتهاد زن
۷۶	۳-۴-۱- مفهوم اجتهاد
۷۷	۳-۴-۲- دیدگاه فقهای امامیه پیرامون اجتهاد زن
۷۸	۳-۴-۳- ادله مخالفین اجتهاد زن
۷۸	۳-۴-۳-۱- آیات
۷۹	۳-۴-۳-۲- روایات
۸۰	۳-۴-۳-۳- دلیل شهرت
۸۰	۳-۴-۳-۴- دلیل مذاق شریعت
۸۰	۳-۴-۳-۵- اجماع
۸۱	۳-۴-۴- ادله موافقین اجتهاد زن
۸۱	۳-۴-۴-۱- آیات
۸۲	۳-۴-۴-۲- روایات
۸۳	۳-۴-۴-۳- سیره عقلاء

فصل چهارم: وضعیت حق زنان به تصدی مناصب عمومی در ایران	۸۴
۱-۴- تصدی مناصب عمومی برای زنان	۸۶
۱-۴-۱- مشاغل مرتبط با رهبری	۸۶
۱-۴-۱-۱- رهبری	۸۶
۱-۴-۱-۲- مجلس خبرگان رهبری	۸۸
۱-۴-۱-۳- نهادهای تحت نظر مقام رهبری	۹۰
۱-۴-۱-۳-۱- بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی	۹۰
۱-۴-۱-۳-۲- بنیاد شهید انقلاب اسلامی	۹۱
۱-۴-۱-۳-۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام	۹۲
۱-۴-۱-۳-۴- ریاست سازمان صدا و سیما	۹۳
۱-۴-۱-۳-۵- شورای عالی امنیت ملی	۹۳
۱-۴-۱-۳-۶- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	۹۴
۲-۴- مشاغل مرتبط با قوه مقننه	۹۵
۲-۴-۱- ریاست مجلس شورای اسلامی	۹۵
۲-۴-۲- نمایندگی مجلس شورای اسلامی	۹۶
۲-۴-۳- شورای نگهبان	۹۸
۲-۴-۴- شوراهای اسلامی شهر و روستا	۱۰۱
۳-۴- مشاغل مرتبط با قوه مجریه	۱۰۲
۳-۴-۱- ریاست جمهوری	۱۰۲
۳-۴-۲- وزارت	۱۰۹
۳-۴-۳- معاون اول رئیس جمهور	۱۱۰

۱۱۱	۴-۳-۴- ریاست عالی سازمان‌های وابسته به ریاست جمهوری
۱۱۲	۴-۳-۴-۱- سازمان حفاظت محیط زیست ایران
۱۱۲	۴-۳-۴-۲- سازمان انرژی اتمی
۱۱۲	۴-۳-۵- استاندار
۱۱۳	۴-۳-۶- فرماندار
۱۱۴	۴-۳-۷- بخشدار
۱۱۶	۴-۴-۴- مشاغل مرتبط با قوه قضائیه
۱۱۶	۴-۴-۱- ریاست قوه قضائیه
۱۱۷	۴-۴-۲- قضاوت
۱۲۰	۴-۴-۳- ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل
۱۲۰	۴-۴-۴- ریاست دیوان عدالت اداری
۱۲۱	۴-۴-۵- ریاست سازمان بازرسی کل کشور
۱۲۴	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۲۵	۵-۱- نتیجه گیری
۱۳۶	۵-۱-۱- راهکارها
۱۴۱	۵-۱-۲- پیشنهادات پژوهشی
۱۴۳	منابع و مآخذ
۱۵۶	Abstract

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مساله

نگاه‌های متفاوت به جنسیت در طول تاریخ علاوه بر اینکه نحوه بهره‌مندی زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده، موقعیت آنان نسبت به مردان را نیز در جایگاهی متفاوت قرار داده است. زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی موجود در جوامع بشری که خود یکی از مهم‌ترین منابع توسعه انسانی‌اند، می‌توانند نقشی به سزا در توسعه‌ی جوامع انسانی ایفا کنند (رئوف، ۱۳۷۷: ۹۵).

مردان تا کنون نخواستند یا نتوانسته‌اند به طور مفید و قاطع از منافع زنان حمایت کنند. مشارکت زنان در همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی مانند سیاست ضروری است به نحوی که می‌توان گفت اقلیت بودن زنان در امور سیاسی موجب ناتمامی دموکراسی در جامعه می‌شود (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۱۸). در واقع جایگاه و شخصیت زن در فرهنگ هر جامعه نشان‌دهنده‌ی میزان توسعه‌یافتگی آن جامعه است.

زن و جایگاه او یکی از موضوعات مربوط به حقوق بشر در جامعه است. حقوق سیاسی زن به عنوان زیرمجموعه‌ی حقوق بنیادین شهروندی همزمان با دگرگونی‌های عمیق در تمامی ابعاد علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سه قرن اخیر به وقوع پیوست. میزان مشارکت سیاسی زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی همواره به عنوان عاملی برای بررسی و مقایسه میان دول مطرح بوده است و زمینه‌ای برای شناخت و تبیین دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی در دولت‌ها بوده است (A.S,2002:24).

تحركات سیاسی از سوی زنان برای درگیر شدن آنان در امر سیاست و دخالت در فرایند تصمیم‌گیری در کشورهای مختلف دیده می‌شود. هر چند که حضور زنان در عرصه‌ی امور سیاسی به عنوان پدیده‌ای عام در جوامع بشری در حال گسترش است، اما کیفیت و کمیتش در جوامع گوناگون متفاوت است. مشارکت سیاسی زنان فراتر از شرکت در انتخابات، رأی دادن و کلان‌دیتوری این قشر

از جامعه است و در برگیرنده‌ی شرکت گسترده و عمومی زنان در فرایند تصمیم‌گیری در تمامی

ابعاد زندگی سیاسی می‌گردد (طباطبائی موءتمنی، ۱۳۷۵: ۸۴).

مشارکت سیاسی و اجتماعی فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال زنان به عنوان عضو جامعه و نظام، در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی آن و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی محوله. همچنین در تبیین وضعیت مشارکت سیاسی و اجتماعی گفته‌اند: در یک فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای اجتماع، درصدد می‌باشند که صریحاً به سوی نظام، به عنوان کل و به سوی ساخت‌های سیاسی و اداری و روندها گرایش پیدا کنند (Anker, 1998: 4-5).

آنچه مسلم است، از آنجا که تقریباً نیمی از جمعیت اجتماعات را زنان تشکیل می‌دهند، نیمی از مسئولیت مشارکت سیاسی و اجتماعی هر جامعه ای بر دوش زنان است که این امر هم حق و هم تکلیف آنان می‌باشد که ضرورت می‌یابد ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی یعنی همسررداری و تربیت فرزندان در جامعه خویش نیز حضوری فعال و مؤثر داشته باشند و در نتیجه از این رهگذر می‌توانند نقش مهمی در رهیافت توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا نمایند. جنبش و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان وقتی به معنای واقعی کلمه ظاهر می‌شود که خودجوش، رقابت‌آمیز، گروهی، سازمان یافته و مبتنی بر مطلوبیت‌های مناسب و خاص زنان باشد. مسأله مهم و قابل توجه در فراگرد مشارکت سیاسی و اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی است (Anker, op.ct: 9).

جامعه‌پذیری سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند. این فرایند، زنان را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی، سازگاری‌کننده همچنین استعدادها، مطلوبیت‌های اجتماعی ضروری و خصوصاً نقش‌های سیاسی را

که زنان باید در جامعه ایفا کنند به آنان می‌آموزد و در نتیجه آنان را مهیای حضور در میدان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌کند (معرفت، ۱۳۷۶: ۴۹-۵۰).

پاسخ به این پرسش الزامیست که چگونه ایجاد فرصت‌های مناسب برای حضور بانوان در صحنه‌های مختلف علمی و عملی مثل دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، کارخانه‌ها و سایر کارها و فعالیت‌های اجتماعی متناسب با وضعیت روحی و جسمی آن‌ها می‌تواند انگیزه‌های لازم برای افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را فراهم آورد؟ زنان امروز با زنان گذشته تفاوت دارند. استقلال و قدرت تصمیم‌گیری، دخالت در امور اجتماعی و تأمین معاش زندگی، شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، پذیرش مسئولیتهای اجرایی، دستیابی به مدارج عالی تحصیلی و غیره از ویژگی‌های زنان امروز به حساب می‌آید (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۵). پس بالطبع حقوق و مزایای جدیدی را می‌طلبند که باید کاملاً ادا گردند به همین دلیل هم اکنون در جامعه، یکی از مسائل مهم و مورد توجه مساله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است.

با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه دینی است و سیاستگذاری‌ها، تدابیر و خط‌مشی‌ها مبتنی بر مکتب اسلام است، استفاده از تعالیم، مبانی، اعتقادات، ارزش‌ها و اصول دینی به منظور ارائه باورهای صحیح در راستای فعالیت زنان در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در افزایش مشارکت زنان در جامعه مؤثر واقع شود. (مطهری، ۱۳۶۵: ۳۵).

در کشور ما بحث از مناصب سیاسی زنان سابقه ای نزدیک به یک قرن دارد. همیشه موافقان و مخالفانی در رابطه با تصدی مناصب عمومی از سوی زنان در این زمینه با یکدیگر درگیر بوده‌اند. عده

ای از موافقان حضور در عرصه‌های مدیریتی را برای برهم زدن مناسبات جنسیتی لازم می‌دانند (حکیم پور، ۱۳۸۴: ۹۴).

از نگاه آنان زنان در طول تاریخ فرودست بوده‌اند و حضور آنان در این عرصه‌ها، هم نشانگر رو به اصلاح بودن وضعیت زنان است و هم زمینه‌ای برای بهتر شدن وضعیت حضور زنان در تصدی مناصب عمومی؛ زنان باید بتوانند با به دست گرفتن ماشین قدرت، از آن برای باز تولید ارزش‌ها به نفع خود و تحت فشار قرارداد دولت‌ها در آزادی سیاسی‌شان بهره ببرند. از این رو مبارزات زیادی انجام داده‌اند تا حکومت‌ها را به تغییر رویه به نفع ورود زنان به عرصه‌های قدرت و مدیریت سیاسی وادار کنند. این در حالی است که مخالفان حضور زن در سیاست معتقد هستند با حضور زنان جامعه‌ای متعادل وجود نخواهد داشت. زیرا زنان همانند مردان از قدرت کافی برای رهبری و مدیریت کشور در همه عرصه‌ها برخوردار نیستند و حضور زنان در لایه‌های مدیریتی و در مجموعه‌های کلان حوزه سیاستگذاری و تصمیم‌سازی ضرورت ندارد (Julie, 1995: 11).

از طرف دیگر مدیریت و تصمیم‌سازی آنان می‌تواند هم شامل حوزه‌ی زنان شود و هم امور مربوط به مردان را در برگیرد که البته این امر با توجه به اصل شایسته‌سالاری و توانمندی‌های زنان متعهد و متخصص می‌تواند تحقق پیدا کند. واقعیت این است که طی چند دهه‌ی گذشته جامعه‌ی زنان تحولاتی را از سر گذرانده است و با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، زنان توانمند امروزی مصلحت‌اندیشی‌های موجود درباره‌ی حضور زنان در مدیریت‌های کلان سیاسی جامعه را به چالش کشیده‌اند و خواهان تصدی مناصب سیاسی مهم در جامعه هستند (آصفی، ۱۳۸۴: ۵۴). تصدی مناصب عمومی برای زنان همانند مردان می‌تواند در مشاغل هم چون سفارت، دادستانی، وزارت و ریاست جمهوری ... خلاصه شود (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۹۹).

در واقع تصدی مسولیت های عمومی را می توان تصدی نقش های کلان سیاسی کشور که در عرصه ی تصمیم گیری و خط مشی گذاری آینده ی سیاسی کشور نقشی مهم دارند تعریف کرد. در تصدی مسولیت های عمومی برای زنان ایران حتماً می بایست به قانون اساسی کشورمان رجوع کرد و از آنجا که بخش قابل توجهی از قانون اساسی کشور ما بر اساس فقه امامیه می باشد، بنابراین فقه نقش به سزایی در اعطای تصدی مسولیت های عمومی به زنان را ایفا می کند. بررسی دلایل و استدلالات فقه امامیه در تصدی مناصب عمومی برای زنان که به زبان حقوقی در قانون اساسی کشور ارائه شده است می تواند به بیان راهکارهایی برای حضور نهادینه شده ی زنان در عرصه ی مدیریت سیاسی کشور در پی داشته باشد.

در نتیجه با توجه به نابرابری تاریخی جایگاه زنان نسبت به مردان در عرصه حقوقی و قانونگذاری و نیز ظهور جنبش های برابری خواهانه زنان در تاریخ معاصر، نگاه قانونگذاران به تأمین حقوق زنان معطوف گردیده است؛ هرچند در حمایت قانونی از حقوق زنان در مقایسه با سده های پیشین تفاوت چشمگیری را شاهد هستیم اما هنوز از جایگاه مطلوب خویش فاصله زیادی دارد. با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی صلاحیت زنان در تصدی مناصب عمومی با تکیه بر فقه امامیه و قانون اساسی ایران می باشد، با بررسی که انجام گرفت هنوز جایگاه حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه علمای فقه امامیه از حیث حقوق و تکالیف با استعدادها و توانایی های زنان تفاوت زیادی دارد و به خاطر این مطلب، ضرورت دیده شد تا این کاستی ها نشان داده شده و برای آن چاره اندیشی شود.

علت انتخاب این موضوع تحت این عنوان تطبیقی برای مطالعه نیز به این دلیل بوده است که این دو (قانون اساسی و فقه امامیه) از مهم ترین منابع مسجل، تأمین و تضمین کننده ی حقوق

سیاسی زنان در ایران و کشورهای اسلامی می‌باشند؛ و با تطبیق این دو منبع موجبات کشف موارد اشتراک و افتراق دو نهاد بیشتر و روشن تر می‌شود و نقاط ضعف و قوت هر یک آشکار می‌گردد و در تدوین و تغییر بهتر قوانین موجود و حرکت به سوی آینده مورد قبول عام مهیا تر و سریع تر می‌شود.

محور اصلی تحقیق حقوق سیاسی زنان است. که بخشی از این حقوق سیاسی به حوزه تصدی مناصب عمومی توسط زنان ارتباط پیدا می‌کند که برخی از بحث‌های چالش برانگیز را در این حوزه ایجاد کرده است. امروزه با گسترش تکنولوژی و با بالا رفتن سطح آگاهی و استعداد مردم و رعایت عدالت و تساوی بین زن و مرد در بسیاری از موارد این سوال را بر می‌انگیزد که آیا از نظر شرعی و حقوقی این اجازه به زن داده شده است که در مناسبات سیاسی نظیر اشتغال، اجتهاد، قضاوت، مشارکت‌های سیاسی، تصدی مناصب عمومی... حق شرکت داشته باشد؟ گر چه در یک نگاه به این موضوع شاید با پاسخ منفی مواجه شویم اما با کنکاش در این مسأله و بررسی مبانی فقها در آن بتوان راهگشای پاسخی مثبت به این موضوع باشیم. چنانچه امروزه با توجه به دیدگاه‌های افراطی و تفریطی نسبت به مسائل زنان و خانواده شاهد اتهامات متعدد دنیای غرب، علیه شریعت اسلام در مورد حقوق زن و نقش او در خانواده و جامعه می‌باشیم. برای پاسخگویی به این شبهات و سوء تعبیر، لازم است با دقت هر چه بیشتر، این مباحث را پیگیری نموده و با طرح آراء فقها در این خصوص ادله و مبانی موافقین و مخالفین این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. و با ارائه استدلال‌های علمی و محکم به یک پاسخ مشخص و صریح در این زمینه دست پیدا کنیم.

۱-۱-۱-۱- تعریف مفاهیم پژوهش

چنان که اشاره شد پایان نامه حاضر بر حول دو مفهوم مرکزی می‌چرخد: تصدی مناصب عمومی برای زنان و رابطه‌ی تصدی مناصب عمومی با فقه امامیه اثنی عشری و قانون اساسی ایران که در ادامه به توضیح این دو مفهوم می‌پردازیم:

۱-۱-۱-۱-۱- تعریف مناصب عمومی

مساله حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و احراز مشاغل و مناصب عمومی از مسائل مناقشه برانگیزی است که از دیر باز موضوع بحث، مجادله و مناظره اندیشمندان قرار گرفته است. با نگاهی گذرا بر تاریخ بشریت، این واقعیت تلخ و انکار ناپذیر به ذهن متبادر می‌شود که در همه‌ی ادوار و نزد تمامی ملل، سعی در به حاشیه راندن زنان بوده و با ارزیابی نادرست از قابلیت‌ها و استعداد‌های آنان، عملاً زنان به سمت وسویی سوق داده شده‌اند که با وجود آن که نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می‌دهند اما هنوز از حقوق انسانی به صورت کامل بهره مند نیستند (فهیم کرمانی، ۱۳۷۲: ۳۳).

بررسی وضعیت حق زنان به تصدی مشاغل عمومی در ایران روشن می‌سازد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه زمینه‌های قانونی حضور زنان را در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور را فراهم ساخته است و در صورت عدم وجود موانع قانونی، باید دید که آیا بسترهای مناسب و شرایط لازم برای مشارکت سیاسی زنان مهیا است یا نه؟

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی و پویایی یک جامعه حضور زنان در مشارکت سیاسی و اجتماعی آن جامعه می‌باشد. حق برابر تمامی افراد اعم از زن و مرد در مشارکت سیاسی و از جمله حق به تصدی مناصب عمومی در تمامی سطوح حکومتی جز آن دسته از حقوق شهروندی است که باید مورد توجه همگان قرار بگیرد (رئوف، ۱۳۷۷: ۹۵).

حقوق شهروندی یکی از موضوعات مورد توجه اندیشمندان در دهه‌های اخیر است و مجامع جهانی نیز با حساسیت ویژه ای به آن پرداخته‌اند. در مفهوم مدرن و امروزی آن، مشتمل بر سه حق از حقوق اساسی است که شامل حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی است.

حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند به عنوان عضو جامعه در زندگی عمومی و اجتماعی کشور از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل سیاسی واجتماعی نائل آید و یا در جوامع آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید (طباطبائی مومتمنی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

از عمده‌ترین حقوق سیاسی شهروندان که بر آن تاکید فراوان شده حق برابر تمامی افراد در مشارکت سیاسی است و واضح می‌باشد که تحقق این گونه مشارکت نیازمند به رسمیت شناختن حقوق سیاسی برای تمامی افراد اعم از زن و مرد در قانون اساسی است (مهرپور، ۱۳۷۹: ۱۴).

حق مشارکت سیاسی را می‌توان حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن‌ها و انتصاب به سمت‌های دولتی در تمام سطوح دولتی دانست و همه‌ی دولت‌ها براساس اسناد بین‌المللی موظف می‌باشند که شرایط لازم را برای این امر مهیم تهیه نمایند. مشارکت سیاسی زنان فراتر از شرکت در انتخابات، رأی دادن و کاندیداتوری است. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مبتنی بر حضور آزادانه و فعال زنان به عنوان عضو جامعه در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و ایفای نقش یا نقش‌های محوله است؛ و هم‌چنین در تبیین نقش‌های سیاسی و اجتماعی و تصدی آنان از سوی زنان، گفته‌اند که: در یک فرهنگ سیاسی - مشارکتی، اعضای اجتماع درصدد می‌باشند که صریحاً به سوی نظام، به عنوان کل و به سوی ساخت‌های سیاسی و اداری گرایش پیدا کنند.

مشارکت سیاسی از سوی زنان در دو سطح "توده" و "نخبگان" قابل بررسی می‌باشد (

(A.S,op.cit:12). در ارتباط با نوع اول که شامل حق رأی دادن، حق شرکت در گروه‌ها و انجمن‌ها و